

ادامه سر مقاله

سایه‌سنگین نانوشت‌ها!

اینها به علاوه وظایف دیگری که به موجب قوانین عادی و مقررات، همچون تصویب برنامه‌های عمرانی پنج‌ساله، بودجه‌های سالانه، تفریح بودجه، تعیین نمایندگان در نهادهای قانونی کشور، تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب شش نفر حقوقدان شورای نگهبان، مهمترین کارکردهای مجلس را تشکیل می‌دهند.

بدیهی است عملکرد نمایندگان «خانه ملت» و چگونگی بر خورد آنان بالا یچه بودجه به جهت اهمیت آن در تحقق عدالت و توسعه پایدار و متوازن، معیاری قابل قبول برای مولکان در سنجش میزان شجاعت، کارایی و استقلال امتداران این امانت بزرگ ودر یک کلام محک واقعی دفاع از حقوق قانونی شهروندان در میدان عمل خواهد بود.

بودجه تنظیمی دولت در قالب لایحه بودجه ۹۷ آنگونه که بدان اشارت رفت، با میانداری سازمان برنامه و بودجه به مجلس تقدیم شد؛ حرکتی که نخستین گامش برخلاف آنچه از گذشته نشد چندان دور به یاد داریم، به موقع و خوب برداشته شد که تا اینجا به فال نیکش می‌گیریم؛ تجربه نشان می‌دهد، در تنظیم لوائح بودجه، چه از جانب دولت‌ها و چه از سوی مجلس، در قالب کمیسیون تلفیق و دیگر کمیسیون‌ها، عوامل و انگیزه‌های گوناگونی دست اندکار نرسد، و گرایش‌ها در بسیاری از موارد متأثر از سیاست، عمل کرده و تغییر مسیر می‌دهند.به عبارتی در تهیهٔ و تنظیم لایحه بودجه از پ بس‌الم تا تای تمّت، «هر باد و مه و خورشید و فلک در کارند.»

نیم نگاهی به لوائح بودجه سال‌های دور تا به امروز،

نشان از این واقعیت غیر قابل کتمان دارد، که توزیع و تخصیص اعتبارات و منابع مالی نه بر مبنای استحقاق و بسا لحاظ کردن اصل نیز در چارچوب آمایش سرزمین، که بر محور قدرت نمایندگان ودر قالب چانه‌زنی مرازگن نفوذ صورت گرفته و می‌گیرد.

نا گفته نماند، توزیع و تخصیص اعتبارات و منابع مالی در جایگاه متغیّری از محلّ‌های مصرف و دستگاه‌های گیرنده در برخی از موارد به گونه‌ای انفعالی تهیّه و تنظیم می‌شود و دولت به واقع توان بالا و دستی باز در باز توانی بقّ و عادلانه منابع آن ملّی ندارد.

بگذریم از اینکه در چکّش کاری مجدّد بودجه حاضر، تحت تاثیر علل، عوامل و انگیزه‌های چند که بحث و بررسی پیرامون‌شان در این نوشته نمی‌گنجد، دخل و خرج با هم همخوانی منطقی ندارند.

پرش بنیادی این است، سهمی که برای یک استان یا یک نهاد و سازمان در نظر گرفته می‌شود، تا چه میزان در مقام مقایسه با وسعت، جمعیت و نیاز واقعی استان دیگری یا موقعیت و عملکرد در وضعیت نهاد یا سازمان مشابه از نظر کارکرد و خدمات قابل مقایسه است؟

در چنین اوضاع و احوالی وظیفه قانونی نمایندگان ایجاب می‌کند با بهره گیری از کارهای کارشناسی و به‌کارگیری ضوابط و مقرّرات، تاثیرپذیری بودجه سالانه را از قید و بند آثار جانبی و مصلحت‌گرایی‌های خارج برنامه برهانند.

حقوق مسلمّ مناطق غیر برخوردار و کمتر توسعه یافته را به شهروندان برگرداند، نه در جایگاه نماینده شهر و دیاری خاصّ که به نمایندگی از همه ملت، چنانچه اصل ۸۴ قانون اساسی با این عبارت بر آن تصریح و تأکید دارد: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و…» منابع و اعتبارات ملّی را به دور از تاثیرپذیری از مراکز قدرت به صاحبان حقّ اختصاص و به اجرای عدالت و زدودن آثار فقر و رفغ تبعیض و بی عدالتی همّت گمارند.

اگر نمایندگان مجلس، این امتداران مردم به نقش و جایگاه رسالت تاریخی و وزن و اعتبار خویش در شکل گیری و بسترسازی توسعه در ابعاد مختلف آگاهی دارند، که دارند.

اگر آنگونه که قانون اساسی می‌گوید نماینده همه ملت اند، که هستند رواست از خُرد کاری‌ها پرهیز کرده و کلان نگری پیشه نمایند، چه، همچان می‌دانسیم، وظیفه اصلی این عزیزان، «قانونگذاری» است و نظارت بر حُسن اجرای قانون و با پذیرش این واقعیت، نظارت قانون مند بر آسفالت کوچه

و مدیریت اجرایی کشور در چارچوب قانون و در راستای دفاع از حقوق قانونی شهروندان را حقّ خود بدانند؛ و نه آسفالت کوچه و جابجایی این مدیر و آن دبیر راه چه، این یکی دخالت است، وآن یکی نظارت

ورود به این حوزه، خروج از دایره صلاحیت ذاتی ومغایر با اصل ۵۷ قانون اساسی، یعنی استقلال

قواست.

همان قانونی که ظاهراً همگان سنگش را به سینه می‌زیبیم خروج از صلاحیت ذاتی که گذر زمان، به رُوی او دست و پا بگیر نَبَل گردیده و مانعی بارزنده در مسیر توسعه؛ قانون نانوشت‌های که نوشته‌ها را نه فقط کبرنگ، که از تک‌و تا انداخته است!

سیاست

«همدلی» نظر کارشناسان درباره اصل ۵۹ قانون اساسی و برگزاری referendum را بررسی می‌کند

رجوع به قانون اساسی، یک کلام

آنچه مسلم است اجرای قانون اساسی در جهت منافع ملی است و قانونگذار آن را برای آسایش، رفاه و آزادی ملت در نظر گرفته است. این قانون در جهت منافع همه ملت ایران است و می‌توان از ظرفیت‌های خوب آن برای اصلاح امور استفاده کرد.
اموری که در همین قانون به آن اشاره شده اما در مواردی مغفل مانده است.

مخالفان referendum نگران رویه شدن آن هستند

«امیر محبان» استاد دانشگاه و روزنامه‌نگار اصولگرا نیز در این خصوص گفت: بهتر است آقای روحانی توضیح بیشتری بدهد و شفاف بگوید که منظورش از همه‌پرسی چیست؟ در حال حاضر بحث‌ها و تحلیل‌ها در فضایی غبارآلود و بر مبنای ظن و گمان است. ایشان باید مشخص کند همه‌پرسی مورد نظرش در چه حوزه‌ای است؟

referendum ابزاری نیست که بتوان پیوسته از آن استفاده کرد. ساختار کشور طوری است که از لحاظ قانونی دارای تعریف است. همه پرسی به این معنی می‌تواند باشد که به نقطه‌ای از یک موضوع رسیده‌ایم که مردم باید هزینه آن تغییر یا خواسته را با رأی خودشان برعهده بگیرند و به واسطه این همه‌پرسی این عمل انجام شود. موضوع دیگر این است که ما می‌خواهیم به موضوعی دست پیدا کنیم که فراتر از تعریف کنونی است که باز هم می‌توان به همه پرسی دست زد. اینکه ما همه پرسی را به عنوان ابزاری بدانیم که هر وقت خواستیم بتوانیم به آن دست بزنیم شدنی نیست. با این توضیح باید بگوییم که هنوز مشخص نیست که رئیس جمهوری منظورش از این همه‌پرسی چیست. اگر منظور او همه پرسی است باید ببینیم که ایشان چه موضوعی را برای همه پرسی پیشنهاد مطرح می‌کند. بعد از طرح موضوع می‌توان نظر داد که آیا مسأله‌ای که ایشان مد نظر دارد آیا نیاز به همه پرسی دارد یا می‌توان از طرق دیگر آن را حل و فصل کرد اما اینکه موردی درحال حاضر باشد که نیاز به همه‌پرسی داشته باشد را به یاد نمی‌آورم.

قانون اساسی نباید زیاد دستخوش تغییر شود. معمولاً تغییر این قوانین دیر به دیر صورت می‌گیرد. البته ممکن است با توجه به شرایط و پس از انجام ارزیابی از وضعیت کشور لزوم تغییرات در قانون نیاز شود. اما به نظرم در شرایط کنونی بازنگری قانون اساسی ضرورتی ندارد.

referendum یک اصل قانونی است. اما به نظرم شاید دلیل مخالفان این باشد که نمی‌خواهند این موضوع رویه شود. اگر رئیس جمهوری بخواهد همه‌پرسی برگزار و تغییراتی ایجاد کند، مشکل ساز می‌شود.

به هر حال برخی قوانین ما سیستم بوروکراتیکی را ایجاد کرده که گاه اجازه تحرک را می‌گیرد. خیلی‌ها به این موضوع ایراد دارند و کسی که به این بوروکراسی دست و باگیر انتقاد می‌کند، ضد انقلاب نیست.



به حقوق اساسی معلوم است و نیاز به بحث بیشتر ندارد. اصل ۵۹ مربوط به اعمال اختیارات قوه مقننه است. شاید آقای رئیس جمهور یا اصلی دیگری آن را اشتباه کرده اند! البته باید بدانیم که قانون اساسی ظرفیت‌های متنوعی در حوزه‌های مختلفی دارد که ما هم نتوانیم چرا این ظرفیت‌ها به درستی به کار گرفته نمی‌شوند. مثلاً چرا نباید سوال و استيضاح در رویکرد مجلس محترم وجود داشته باشد؟ فایز از نتیجه، شاید سوال از مقامات اجرایی این فرصت را برای آنها به‌وجود آورد تا برخی دلائل کمیودها و احیاناً ناکارآمدی‌ها را، بدون توجه به مسائل سیاسی توضیح دهند و مردم نیز از مشکلات موجود مطلع شوند.

ما معتقدیم قانون اساسی مجموعه‌ای واحد و به هم پیوسته است که تمام اصول آن باید توسط مقامات و مسئولین کشور رعایت شود و بی اعتقادی به بخشی از آن به تعبیر رئیس جمهور محترم، افراد را از مدار انقلاب خارج می‌کند و آنهایی که پیاده شدند به دلیل همین عدم اعتقاد و التزام به قانون اساسی بوده و لاغیر. آنهایی که پیاده شدند به دلیل آن بود که قانون اساسی را تفسیر به رای نموده و اعلام می‌کردند برخی از اصول آن را قبول ندارند. شورای نگهبان این نظر شما را که نظر صحیحی نیز هست اجرا کرده است و جنبه‌الی هم تأیید می‌فرماید آنان که به قانون اساسی اعتقاد و التزام ندارند، انقلابی نیستند و نمی‌توانند در پست‌های سیاسی قرار بگیرند.

جمله‌ای منسوب به انشتین است که می‌گوید: آنان که گاهی به نعل می‌زنند و گاهی هم به میخ، عقابت چکش واقعیت روی انگشتان آنها می‌خورد. امید آنکه در اجرای قوانین و مخصوصاً قانون اساسی از این افراد نباشیم.



از اصل ۵۹ به‌عنوان موتور محرک برای مردمسالاری دینی استفاده شود

دانشگاه شهید بهشتی در این خصوص به همدلی گفت: فلسفه پیش‌بینی اصل ۵۹ قانون اساسی آن است که در مسائل حساس، بحرانی و راهبردی که برای کشور پیش می‌آید و نظام تصمیم‌گیری عالی نمی‌تواند در مورد آن موضوع تصمیم قاطع و فیصله‌بخش بگیرد، ظرفیت اصل ۵۹ می‌تواند مورد استفاده قرار گرفته و با مراجعه به آرای همگانی ملت، آن موضوع حاد و اختلافی حل شود.

این اصل یک همه‌پرسی قانونگذاری را پیش‌بینی می‌کند و شاید به تعبیر برخی، شباهتی به



همه‌پرسی‌های سیاسی نداشته باشد اما به گمانم اطلاق اصل ۵۹ که در آن آمده، در مسائل بسیار مهم سیاسی و… می‌تواند از طریق مراجعه به پرسیمان همگانی انجام شود. در حقیقت آن مسائل مهم به شکل طرح یا لایحه ارائه می‌شود اما تصمیم‌گیری نهایی برعهده ملت خواهد بود.

درست است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی، referendum سیاسی پیش‌بینی نشده اما اصل